



### موج نوین مبارزه

خود را پیروزی مردم میدید ، از آنان الهام میگرفت . بیش از هزار نفر را در این مدت به زندانها افکند ، ولی مردم ترسیدند و بمبارزه خود ادامه دادند . دولت بناچار عقب نشینی کرد .

«اريا مهر» این ملعبه مضحك و ناچيز پر دبدبه دستور صادر فرمود كه وضع انوبوسها بحال اول برگردد . مردم اين عقب نشيني را نيز ديدند و دست او را خواندند . فهميدند كه ميتوان حتى در اين شرايط ترور و خفقان با رژيم در افتاد و پيرو شد . رژيم نيز قدرت مردم و ضعف خويش را فهميد اما مثل هميشه در علاج آن كور خواند . تصور كرد ميتواند با اذيتاد فساد و خفقان مردم را بترساند . سعي كرد خوف خود را در دل مردم زيادتر كند . شروع كرد بيك سلسله دستگيريها و فشارهاي بيشتري . عده زيادي را با دليل و بدون دليل گرفت و ماهها در بند و زير شکنجه گذاشت . محاکمات نظامي و فرمایشي را دوباره با شدت از سر گرفت . اما هيچ باقاي اثری نداشت . محيط همچنان تشنج آلود و عصبی باقی ماند و بالاخره آتش مبارزه دوباره بالا گرفت . ۵۵ نفر ( لا اقل ) از ايرانيان آزاد و مبارز يکي پس از ديگري از ديهام ۴۹ بيگس دستگير شدند جرم آنها قصد پيوستن به جنبش مترقي فلسطين بود . بسياري از اين افراد را ماهها در زندان زير شکنجه ها يي كه تكنيکهاي مدرن را باشيوه هاي قرون وسطايي درهم آميخته است قرار دادند ناصر كاشساز ناصري قاضي شرافتمند را زير شکنجه كسور كردند و شکنجه را آتقتر ادامه دادند كه خونريزي مغزي كرد . پاك نژاد مبارز را تا سرحد مرگ شکنجه دادند . آيت اله سعیدی روحاني مترقي و غيور را كه عليه سرمايه گذاريهاي خارجي مبارزه ميكرد زير شکنجه كشتند و نضاع حسن نيک داودي روشنفکر مبارز را زير شکنجه قطع کردند كه منجر به شهادت وی شد و ...

خشم مردم از مشاهده اينهمه جنايت فزون تر می شده حکومت سعی ميكرد با بوجود آوردن صحنه ها يي مردم را از مبارزين و مبارزات دلسرده كند . بنا بر اين عده اي را كه سابقه مبارزاتي داشتند ولی دون صفت و فرصت طلباني بيشتري بودند بنا بر اين دولت نيكخواست مانند نيكيخواه و پارسا نژاد ، سعی كرد با استفاده از اين بلند گويهاي جديد ، با نشان دادن و برجسته كردن خيانت آنها مردم را دلسرده كند . رژيم ميدانست كه حرفهاي او را ، تبليغات او را مردم از زبان هيچ كس باور نخواهند كرد چون شرايط جامعه اي كه در آن زندگي ميكند خلاف آنرا ثابت ميكند بنا بر اين دولت نيكخواست و نمیتوانست مردم را بفریبند . قصد او از اين تيرتك دلسرده كردن مردم بود ، وارونه جلوه دادن ماهيت مبارزين بود . ولی مردم نشان دادند كه در لحظه اي كه يك فرد با آنها پشت كند او را با قدرت و قاطعيت با عمق درد نفرت و نابودي خواهند انداخت مردم از كساني حمايت ميكند كه در صف مردم هستند . وقتي كسي به صف دشمن پيوست بين او و دشمن فرقي نيست . رژيم اين بار نيز كور خوانده بود . اين كارتهاي برنده باعث باخت بيشتري شده بودند . روحيه مردم خراب نشد هيچ مصمم تر نيز شدند . مبارزات همچنان اوج ميگرفت چه هيچ چيز عظيم تر و رفيع تر از تصميم خلكي بمبارزه نيست .

دانشجویان شروع سال تحصيلي را براي تشديد مبارزات مناسب يافتند ، دانشگاه از همان لحظه شروع آيستن حوادثي بود . محاکمات عده اي از « گروه فلسطین » يا « گروه سي تير » خشم ها را مشتعل كرد . سه تن از آزادگان ايراني براي رهائي ۲۱ نفر از مبارزين ايراني كه در زندانهاي شاه بودند ، بزاي نشان دادن همبستگي مردم و زندانيان ، يك هواپيماي ايراني و سرنشينيان آنرا بگروگان بر داشتند . عده ديگري چندين محل منجمله اداره روابط ايران و امريكاي و تعدادي سينما و تاسيسات مربوط به صهيونيست ها را با تاشن كشيده . چندي بعد ۹ مبارز غيور شجاع سومين هواپيماي ايراني را به گروگان برداشتند . رژيم خشونت خود را بيشتري كرد . براي عده اي از همزمان ما نقشه اعدام كشيده . براي عده ديگري جيس ابد و يا زندانهاي طويل المده . عده ديگري را دستگيري كرد . گروهی از نويسندگان و تعداد زيادي از روحانيون مترقي را بزنجير كشيده . دكتور شباني مبارز غيور را به ۱۵ سال زندان محكوم كرد . ۴ تن از اعضا بمبارز حزب ملت ايران را به زندان محكوم نمود . اخوت مبارز را آتقتر شکنجه داد كه او نيز خونريزي مغزي كرد . ولی هيچ يك فايده اي نداشت . مردم بيشتري بحركت در آمدند و مصمم تر فریاد اعتراض ايرانيان در هر نقطه دنيا كه بودند بلند شد .

دانشجویان ايراني سفارت ايران در وين ، كسولگري ايران در برکسلي ، كسولگري ايران در نيويورک و دفتر مطبوعاتي سفارت ايران در ايتاليا را اشغال کردند . در نقاط متعددي مانند مانيتر ، لندن ، پاریس ، سوئد ، پراگ و بغداد اعتصاب غذا کردند . از بالتيمور تا واشينگتن ، از سن حوزه تا برکلي پياده روی کردند . تظاهرات عظيمي در اكثر شهرهاي عمده اروپا و امريكا بر پا داشتند و ...

بیش از ۶۰ سازمان بين المللي پشتيباني خود را از دانشجویان ايراني در اين مراسم ابراز داشتند . انظار همه ، متوجه ايران و مبارزات مردم شده بود . سازمان عفو بين المللي بايكتار كندفراسيون دانشجویان ايراني دو نماينده براي بر رسي وضع زندانيان بايران فرستاد كه يکي آلماني و ديگري ايراني بود . دولت ايران نماينده آلماني را از ايران اخراج كرد و نماينده ايراني را دزديد و بزندان كشيده . اين عمل نيز باز بجاي ترساندن مردم را در مبارزه مصمم تر ساخت . تظاهرات در دانشگاه تهران اوج گرفت . دانشگاه تهران تعطيل شد و بدنيال آن ساير دانشگاه ها در تهران و شهرستانها تعطيل شدند . همه به پشتيباني از برادران در بند خود برخاستند . اکنون رژيم ديوانه وار و حستزدست همچنان مردم افتاده است . هر روز عده بيشتري را دستگير می کند و شکنجه مي دهد ولی با همه اينها براي ما كه از مردميم ، براي ما كه تصميم خردمان و ايمان مردمان را به پيروزي مي شناسيم تعجب آور نيست و طبيعي است كه مبارزه نه تنها خاموش نشد بلكه شدت گرفت ، شدتي بي سابقه و حدتي كه در سالهاي اخير بي نظير بوده است . دانشجویان در تظاهرات اخير خسرود فریاد ميزدند .

از بر اين انقلاب دهقان ما نابود شد !  
درد بروان پاك دكتور سيد حسين فاطمي !  
از نمر اين انقلاب فرهنگ ما نابود شد !  
خميني مبارز ، ملت ترا ميخواهد !  
اي جلا د مرگت باد !

انقلاب سفيد دروغ است ، انقلاب سرخ بايد كرد !  
مستعمره بودن ديگر بس است !  
حکومت فاشيستي هيچن پليس را ميخواهد !  
اين است عزم مردم . آفرين باد بر اين همبستگي انقلابي

امروز دامنه كار بجايي رسيده است كه حتى بلند گويهاي رژيم نمي توانند از انكسار مبارزات مردم اجتناب كنند . آنها مجبورند عين شمارهاي مردم را از راديوهايشان پخش كنند و بعد بخيال خود در صدد كوبيدن آنها بر ايند و يا با ايجاد صحنه ها يي مسئله را لوث كنند . دولت براي مقابله با تظاهرات مردم و براي جلوگيري از ظهور خطر مهلكي كه براي او وجود دارد ، يعني كشيده شدن دامنه تظاهرات بيان همه طبقات و قشرهاي مردمی ، دست به دو مانور زد . يکي وارد كردن اتهامات مختلف بمبارزين ، كه شرح آنرا در مقاله « سازمان امنيت سازمانی است پوشالي ، آمده و ديگري صحنه سازي ها يي در پارودي از شهرها و دهات بصورت جمع كردن عده اي از چيره خواران سازمان امنيت و اراذل و اوباش بعنوان « تظاهرات كارگران و دهقانان عليه دانشجویان » . اين كار مفتضحانه را دولت با تمام قدرت خود دنبال مي كند . روزي نيست كه چندين نمايش مسخره از اين قبيل را در گوشه و كنار روي صحنه نياورد . اين نمايشها بقدری عجزلانه و احقانه بر پا شده اند كه حتى دولت فرصت نكرده متن هاي مختلفي بدست بازنيكان آنها بدهد . ناگهان كسي كه قرار بود دل دهقان بلوچ را بازی كند همان قطعه نامه را می خواند كه باصطلاح فلان كارگر قالی بافي در تبريز ، رژيم تصور می كند كه بالاخره جمع فشار ، خفقان ، آدم كشي ، زجر ، تبعيد ، زندان ، خود فروشي ، صحنه سازي و اتهام زني قادر خواهد بود كه مردم را از مبارزه منصرف كند . ولی اين فقط مغز عليبن و ارتجاعی رهبران اين حكومت و قائد عظيم الشان آنها و كودني اربابان آنهاست كه می توانند چنين تصوري را در مخيله بپروراند . آنها نمی دانند كه ميشود يك باز و چند بار مبارزه اي را دردم شكست ولی نمیتوان مبارزان را و هدف هاي مقدس و ايده هاي آنان را نابود كرد . و پس از چنلي دوباره آتش مبارزه با شدتي بيشتري و محتسوي بس مترقي تر زبانه خواهد كشيده . هيچ چيز نمي تواند دهقاني را كه روزگارش تباها تر از گذشته شده ، كارگري را كه مجبور است با دست خالي با عائله اش مواجه شود ، روحاني را كه از درهم ريختن بي قيدانه سنت ها رنج مي برد ، روشنفكري را كه شاهد نفوذ دستمزد در جامعه اش هست و كاستي كاري را كه سرمايه دار وابسته بروز سپاه نشانه از مبارزه منصرف كند . مبارزه خواست

زمان و نياز طبقات جامعه ماست ولی اميراليسم و ارتجاع اين اصل مسلم را نهي پذيرد ، چون پذيرفتن آن يعني نفی خودش ، نهي تواند پذيرد و نهي فهمد ، چون كور است ، نايبست ، با همه فتن و علومش ناتوان و كورن است چون متعلق به نظامي است پوسيده ، چون ارتجاعی است و چون دورانش سرآمده . وقتي كسي متفكرين اميراليسم سر در هم می كند و طرح انقلاب سفيد را در می اندازد نمی خواهند و نمیتوانند بفهمند كه اين شكرد نو را مردم نخواهند پذيرفت . آنها به مردم و شعور توده ها اعتقاد ندارند آنها زوال خود را نمی توانند ببينند و لاجرم تقلا می كنند و می كوشند تا توده ها را بخيال خود بفريند ولی در اين ماجرا فقط خود را فریب می دهند . امروز مردم ايران صرف نظر از نتيجه آني مبارزات اخير ، ثابت کرده اند و براي هميشه ثابت کرده اند كه اين طرح و طراحان آنرا نپذيرفته اند ديروز مردم ویتنام و كوبا و فلسطین اين حرف را زدند و فردا ساير خلق هاي جهان خواهند زد .

مبارزات اخير و وجود هسته های انقلابی در درون نهضت اهميت متشكل شدن را براي توده های مردم بیش از پيش آشكار كرد . اگر هسته های انقلابي تا اين جد مبارزه را اوج بخشد مسلم است كه دو صورت وجود سازمانها و احزاب انقلابي خلق ، هيچ نيروني قادر به مقاومت نخواهد بود . وظيفه هر مبارز ايراني است كه در اين مرحله از مبارزه منفر د نمايد و خود را با ساير نروهاي همفكرش پيوست دهد ، سازماندهي كند و با ساير طبقات و قشرهاي خلقی همكاري نمايد . فقط با بوجود آمدن سازمانها و احزاب خلقی و اجتماع آنها در جبهه اي آزادي بخش است كه ميتوان انقلاب ايران را به پيروزي رساند .

ما بمبارزات قهرمانانه دلاوران غيور ايران درود می فرستيم و به پيروزي نهائي خلقمان ايمان داريم !  
ظفر مند باد اتحاد طبقات و قشرهاي خلقی ايران !  
جاودان باد پيمان ناگستني خلق ايران و خلق هاي جهان !

### سالگرد شهادت تختي

و حريفان را بر خاک می كوبيد . در اين راه چندين سال قهرمان كشتي جهان شده مردم باو لقب « جهان پهلوان » دادند . تختي از اين پيروزيها براي تقويت روحيه مردم استفاده می كرد . هر بار كه موفق ميشد به مردم ياد آوري ميكرد كه آنها نيز بايد با عزمي راسخ در مقابل مشكلات و نژدمي بايستند و مبارزه كنند و ايمان به موفقيت خود داشته باشند .

تختي براي شركت فعالان در مبارزات مردم به عضويت جبهه يي در آمد و به عضويت شوراي عالی جبهه ملي انتخاب شد . كميته ورزشكاران وابسته به جبهه يي را بوجود آورد و خود به شوب و روز خود را در ميان مردم ، مردم زحمتکش كه خود از ميان آنها برخاسته بود گذراند و با آنها درس مبارزه داد . با وجودی كه شاه و ساير مرتجعین حاضر بانجام هر كاري برای جلب نظر او بودند او با قاطعيت تمام دست رد بسينه آنها كوبيد و هر چه بيشتري پيوست خود را با توده مستحكرم كرد . مردم او را متعلق بخود می دانستند هر جا كه قدم می گذاشت بگردش حلقه ميزدند . وقتي پای به ميدان هاي ورزشي می گذاشت غريو شادي از مردم بلند ميشد و همه روي باو می آوردند و هيچ كس به شاه و ساير درباريان كه در مراسم بودند كوچكيش توجهي نميكرد . اين امر غضبي را كه درباريان از پخش نيز بخاطر مبارزات ملي نسبت باو داشتند دو چندان ميكرد . بالاخره تختي را از شركت در مسابقات « حضور در استاديوهاي ورزشي و حتى قرين كشتي باز داشتند ولی او هر روز سرسختانه تر بمبارزه ادامه می داد و سعی ميكرد هر چه بيشتري مردم را بمبارزه عليه اميراليسم و ارتجاع تشويق كند و در جبهه يي متشكل نمايد . روشن بيني او و پيوست او با مردم موجب هراس فوق العاده رژيم شده بود تا آنجا كه نقشه شوم قتل او را كشيده اند و بالاخره در تاريخ ۱۶ دی ماه ۱۳۴۶ وی را بقتل رسانيدند . ولی همانطور كه تختي در زمان حيات خود در مبارزات مردم با موفقيت سرگرم وی نيز الهام بخش مبارزاتي ديگري شد . تشويق جنازه و تظاهرات مردم در مراسم هفتم و چهلم شهادت او کردند چنان عظيم بود كه هيچ كس تصور آنرا از قبل نمیتوانست يگند . اين تظاهرات از جمله عوامل مهبي بود كه باعث شد مردم قدرت خود را دريابند و متوجه مبارزات يکي پس از ديگري شدند . مبارزاتي كه تا پيروزي نهائي خلق ما ادامه خواهند يافت .

مردم مينهن ما با مبارزات خود خاطره تختي ها ، فاطمي ها ، روزبهها ، سيامكها ، سخاكي ها و ساير شهداي نهضت ملي ايران را گرامي خواهند داشت .

شماره ۷  
مالک  
بخاطر  
محمود  
ولی  
را صا  
وساخ  
اصل  
خانواد  
با وس  
سال  
ميفرود  
بسختر  
كه مق  
تومان  
را بجا  
تومان  
يافند  
۴۰۰۰  
يكسال  
تعلق  
خوب  
كنيد  
من اس  
زحمت  
توليد  
۹۰۰۰  
نگهيا  
د بصا  
۶۰۰۰  
سال  
بود  
تومان  
۲۰۰۰  
مياورد  
است  
این خ  
تومان  
ماشين  
مشود  
ماشين  
ميگوي  
ماشين  
ساخت  
ساخت  
ماشين  
علم  
مسائل  
كارگر  
بايد  
مسئله  
چقدر  
و زح  
شخص  
مالكيه  
مفتخو  
كند  
اجتما  
صاحب  
قانون  
محافظ  
يكارگر  
قوانين  
اكثر  
صحيح  
اكثر  
بايد  
بايد  
اصل  
عظيم



بقیه اخبار

اعدام خود داری کرده است . این عقب نشینی رژیم نتیجه مستقیم فعالیت‌های ایرانیان مبارز در ایران و نیز در سراسر جهان است .

بقرای اطلاع رسیده از سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور ( بخش اروپا ) در متن خبر دستگیری آقای حسین رضائی مندرج در شماره ۴ باختر امروز اشتباهی از جانب ما صورت گرفته است بدین وسیله آن را تصحیح میکنیم و از خوانندگان پوزش می خواهیم : آقای حسین رضائی عضو فعال کنفدراسیون ، عضویت جبهه ملی ایران خارج از کشور را نداشته اند . اقداماتی که سازمان امنیت در چند ماهه اخیر از شدت استیصال برای مرعوب کردن مخالفین خود بکار برده است ( مانند آتش زدن خانه احمد قطبی از دانشجویان ایرانی مبارز مقیم انگلستان و تهدید ایشان بقتل ) اخیراً شدت یافته و آقای فیروز مامدی دانشجوی مبارز ایرانی مقیم ترکیه در تاریخ ۲۰ دسامبر بقتل رسیده است . طبق نامه‌ای که از یکی از خویشان ایشان در دست است و مطالبی که روزنامه‌های ترکیه در این مورد نوشته‌اند مأمورین سازمان امنیت ایران در ترکیه توطئه شومی که منجر باین قتل فجیع شد دست داشته‌اند . در مورد جزئیات این واقعه و حوادثی که منجر بان شد در شماره های آینده مطالبی خواهیم نوشت .

بقرای که روزنامه لوموند در شماره اول دسامبر خود نوشته است بعزت تظاهرات و فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در آلمان ، روابط ایران و آلمان تیره گردیده بطوریکه منجر به بستن نمایندگی ایران در برلین عربی و بر گرداندن تعداد زیادی از اعضاء سفارت ایران در بن و کنسولگری های ایران در هامبورگ و مونیخ گشت . دولت آلمان که در منطقه خاورمیانه برای ایران از نظر بازار اهمیت خاص قائل است برای جلوگیری از وخامت بیشتر یک هیئت پارلمانی بریاست پرفسور کارلو اشمیدت نایب رئیس مجلس آلمان و یک هیئت نمایندگی دولتی بریاست آقای پل فرانک بایران اعزام داشت و وعده پرداخت یک اعتبار جدید و گذراندن یک قانون جدید را بمنظور محدود ساختن بعضی از فعالیت‌های سیاسی خارجیان مقیم آلمان داد .

دولت ایران بخوبی میداند که دولت آلمان در گذشته تا آنجا که امکان داشته نسبت بایرانیان مبارز خشنونت نشان داده ولی موفق بناموش کردن آنها نشده است . این دولت حتی در جلوگیری از فعالیت‌های مردم مترقی خود آلمان علیه حکومت مترج آن کشور نیز ناتوان است . غرض از این صحنه سازی دولت ایران این است که اولاً اینطور وانمود سازد که دانشجویان ایرانی با « توافق » آلمان سابقاً فعالیت می‌کرده‌اند و باین طریق دانشجویان را بخيال خود بدنام سازد و ثانیاً باین وسیله بتواند امتیازات مالی بیشتری از آلمان بگیرد .

احمد صبوری یکی از افراد « گروه فلسطین » خود را به سازمان امنیت و رژیم شاه فروخت . صرفنظر از اینکه این خود فروشی داوطلبانه انجام گرفته یا تحت شکنجه بوده است ، کلیه ایرانیان وطن پرست آنرا بشدت محکوم کرده و او را در سلک خائنین بمنافع مردم می‌شمارند . طبیعی است که تعداد افراد « گروه فلسطین » باین ترتیب به ۵۴ نفر تقلیل می‌یابد .

ما را نسبت به سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه و ارکان آن باختر امروز معشوش سازند . ولی دانش‌آموزان عزیز که شاید برای نخستین بار است که در برابر چنین عمل سازمان امنیت قرار میگیرند باید متوجه باشند که سازمان امنیت شاه در داخل کشور بارها این شیوه را برای بدنام ساختن آزادیخواهان و لگددار ساختن جنبش مردم بکار برده‌است و خلق قهرمان ما با اینگونه عملیات سوادک آشنائی کامل دارد . سازمان امنیت در ایران کتابخانه‌ها را آتش میزند و آنرا بیمارترین نسبت میدهد . تلفنهای عمومی را می‌شکند و میگوید که مردم اینکار را کرده‌اند ، و دهها نمونه دیگر . ما بدینوسیله به اطلاع سایر دانش‌آموزان و ایرانیان مقیم عراق میرسانیم که هر نوع خرابکاری که در مدارس انجام یافته است توسط مزدوران جیره‌خوار رژیم شاه و بدستور مستقیم سرپرستی صورت گرفته است و هیچگونه ارتباطی با سازمان جبهه ملی ایران در عراق ندارد .

در شماره آینده مواردی از دردی‌ها و توطئه‌های مأمورین سازمان امنیت را که به لباس معلمی خود در آورده‌اند خواهیم نوشت .

تنها در این وقت است که ماشین یعنی نتیجه صدها و هزاران سال کار و تفکر بشر میتواند بخدمت خلق در آید . و تنها در این وقت است که تضادیکه به آن اشاره کردیم حل میشود و توده خلق میتواند از ماشین برای رفاه و آسایش بیشتر استفاده کند .

در مقاله‌های آینده طریقه دومی را که اقلیت ثروتمند برای ادامه حکومت خود بر اکثریت فقیر در اختیار دارد ، یعنی مالکیت زمین را مورد بحث قرار میدهم .

توطئه

امروز به زوزه‌های دم مرگ افتاده است . و این زوزه ها نشانه گذر آخرین لحظات است لحظاتی که گفتیم به فرو رفتن در کام فراموشی نکتبشار تاریخ می‌انجامد . رژیم شاه با تمام وجود ورشکستگی خود را احساس می‌کند . احساس می‌کند که مردم بر خاسته‌اند و همه آن مقدماتی که فراهم کرده بود هیچ است . احساس می‌کند هفتاد هزار ولگرد و چاقوکش سازمان امنیتش کم‌اند ، احساس می‌کند نیروهای سه گانه ضد مردمی‌اش به هیچ‌اند ، و به چشم خود می‌بیند که هر لحظه به آن گردآباد سیاه خود کنده نزدیک تر می‌شود . این است که با عجز و لابه لگم می‌خواهد ، کمک در راه خورخواری باز هم بیشتر ، کمک برای ادامه تاریکی باز هم بیشتر و کمک برای باز خلقی را زحمتکش را ، اسیر کردن و از بابان را رسیدن . در این راه به‌شویه های خاص خودش که ناشی از بلاغت بی حد مترجمین ، خورخواری زانو و زور پول پرستان ننگین ، سراسیمگی سبیه بختان در حال نگوئی است ، دست می‌زند . روزی از خانواده ها می‌خواهد که به کمک پلیس و سازمان امنیت بشتابند و از گروگان گرفتن جوانان برای آزادی زندانیان سیاسی جلوگیری کنند ، روز دیگر از خانواده‌ها میخواهد که « جگر گوشه‌هاشان » را که در خارج درس می‌خوانند از تماس گرفتن با افراد و سازمانهای مترقی و افتادن به چنگ کنفدراسیون ، بر حذر دارند .

و امروز که از همه جهت نا امید شده دست به دامن چیزی موهوم می‌شود و میخواهد که اگر هنوز چاقوکش و ولگردی وجود دارد که به دربار او ترفقه راهی بشود ، در دنبال مزدور می‌گردد و جایزه برای ترور آزادیخواهان تعیین میکند ، شاه در این اعلامیه‌اش دست کمک به پس مانده عناصری چون خودش دراز کرده و از آنان امید کمک دارد ، و همین جاست که گفتیم بلاغت بی حد مترجمین دیده میشود . چرا که خیال میکند آزادیخواهی که در اثر جنایات او مجبور به ترک وطن و آوارگی گشته و عمری را به مبارزه گذرانده امکان دارد امروز بیکباره بازگشته مزدور شود و به کمک او بشتابد و به امید پادشاه او به یاران راه خود خیانت کند .

این همان بلاغت بیش از حد و جنایت ننگ آلود نیست ؟ دهها هزار مردمی زحمتکش و محروم را سائها آوار کرد ، هزاران انسان آزاده را در سایه شوم دیکتاتوری خود از حق حیات در وطن خویش محروم ساختن و آنوقت وثیقه بازگشت به وطن را هم ادعایشی و ترور آزادیخواهان قرار دادن ، این نمایشگر نهایت ورشکستگی و درماندگی است . و ما باز میگویم اینها همه همان واپسین زوزه‌های بی‌ثمرند که بدون تردید به فرو رفتن در کام فراموش نکتبشار تاریخ خواهند انجامید .

مدارس ایرانی عراق

خوانندگان باختر امروز اطلاع دارند شماره ۵ این نشریه عکسی از دکتر مصدق را ضمیمه داشت بطوریکه سازمان ما بعداً مطلع گردید گروهی از دانش آموزان طرفدار جبهه ملی ایران تعدادی از عکسهای دکتر مصدق را بر دیوارهای مدارس ایرانیان در بغداد و کاطین می‌چسبانند . این عمل دانش آموزان آزادیخواه ایرانی که حکایت از احساسات مین برستانه آنان مینماید کاملاً مشروع و طبیعی بوده است و اکثر سازمانهای سیاسی خارجی نیز به این قبیل کارها مبادرت می‌ورزند و تا آنجا بطوریکه کسب اطلاع نمودیم این جوانان مبارز بمنظور اینکه لاموران سازمان امنیت شاه آنان را نشانسانند شب هنگام عکسهای دکتر مصدق را بر دیوارهای مدارس میچسبانند ساختن این عمل آزادیخواهان بر میآید بدین ترتیب که در یکی دو مدرسه خرابکاریهای مینماید و آنرا بحسب کسانیکه عکس مصدق را به دیوارهای مدارس چسبانیده‌اند میگنارند ، جیره‌خواران شاه با شکستن چند شیشه و مقصداری خرابکاری دیگر می‌خواستند ذهن هوطنان دانش‌آموز

مالکیت ماشین

بظافر اینکه سند مالکیت ماشین را در دست دارد اضافه محصول را بیبب میزند و نمیکند به کارگر برسد . ولی بنیبن این ماشین چگونه بدست این شخص که خود را صاحب ماشین میداند آمده است .

به قدیم برگردیم ، آنوقتها که ماشین خیلی کم بود و ساختنش هم از امروز ساده‌تر بود ، برویم بقدمین تا اصل و ریشه مطلب را کشف کنیم . برای مثال یک خانواده زحمتکش را در نظر بگیریم که در منزل خود با وسایل اولیه نخ رسی و بافندگی کار میکنند و در سال ۳۰۰ متر پارچه میبافند ، پارچه را متری ۱۰ تومان میفروشند یعنی در سال ۳۰۰۰ تومان درآمد دارند ، که بستختی کفاف مخارجشان را میدهد . حالا یک شخصی که مقصداری پول دارد می‌آید و به این خانواده ۳۰۰۰ تومان پول میدهد و میگوید در عوض این پول امسال را بجای اینکه پارچه ببافید برای من کار کنید . ۱۰۰۰ تومان هم بابت مصالح بانها میدهد تا برایش ماشین بافندگی نسبتاً مجهز درست کنند . پس این شخص ۴۰۰۰ تومان جمعا خرج کرده است . خانواده زحمتکش یکسال کار میکنند و ماشین را میسازند . البته ماشین تعلق میگیرد بان شخص دیگر .

سال بعد این شخص می‌آید و به خانواده میگوید خوب بروید سر کار اولتان ، ولی از ماشین من استفاده کنید و بمحصولتان بیشتر میشود . اولی چون ماشین مال من است اضافه محصول را هم باید من بفیضه . خانواده زحمتکش امسال را با ماشین کار میکنند و ماشین تولیدشان را سه برابر میکنند . امسال بجای ۳۰۰ متر پارچه ۹۰۰ متر پارچه تولید میکنند ۳۰۰۰ متر را برای خود تکمیلدارند و اضافه تولید یعنی ۶۰۰ متر را بکارگر و صاحب ماشین میدهد . میدهند این شخص از فروش این ۶۰۰ متر پارچه ۶۰۰۰ تومان بدست میآورد . گفتیم سال پیش این شخص جمعا ۴۰۰۰ تومان خرج کرده بود . پس آن پول را دوباره بدست آورده و ۴۰۰۰ تومان هم علاوه بر آن بیبب میزند . ولی علاوه بر این ۲۰۰۰ تومان یک چیز دیگر هم در این معامله بدست میآورد ، و آن ماشین است ، و او دیگر مالک ماشین است و از برکت این ماشین همه ساله ۶۰۰۰ تومان از این خانواده پول میگیرد و ۴۰۰۰ تومان از این ۶۰۰۰ تومان را همه ساله به یک خانواده دیگر میدهد تا برایش ماشین بسازند . و دو سال بعد همین داستان تکرار میشود . بعد از چند سال صاحب دهها و بعد صدها ماشین میشود و سرمایه‌دار بزرگی میشود ، و بکارگران میگوید « هرکاری دلم بخواهد میکنم چون من صاحب ماشین هستم » .

ولی مالک اصل ماشین کیست . ماشین را کی ساخت ؟ دیدیم خود این خانواده زحمتکش ماشین را ساخت ولی الان این شخص آمده و مالک ماشین و ماشینهای متعدد شده است .

داستان بهین سادگیست ، ولی با پیشرفت جامعه و علم و صنعت و پیچیدگیهاییکه در اجتماع پیش می‌آید مسائل شلوغ میشوند ، سررشته گم میشود ، و یکباره کارگر خودش را ناتوان و جزء اکثریت فقیر مینماید که باید تا ابد برای یک مشت گردن کلفت کار کند ولی مسئله فرق نکرده ، اصل همانست که ماشین آلات هر چقدر هم عظیم و بزرگ و پیچیده ، همه به کارگران و زحمتکشان باید تعلق داشته باشند .

قوانین اجتماع ما طوریبست که ماشین را ملک شخصی سرمایه‌داران میداند ، قوانین اجتماع ما سندن مالکیت مینویسند و پایش را مهر میکند و بیک مشت متفخوار میدهد . و اگر کارگری به ماشین جیب نگاه کند او را بیحاکمه و زندان میکنند . این است قوانین اجتماع زیرا که حکومت و تمام قوانین متعلق اند به صاحبان ماشین ، متعلق اند به سرمایه‌داران ، خودشان قانون خودشان را مینویسند و پلیس خودشان را برای محافظت قانون خودشان دارند .

ولی این قوانین غلط است ، دیدیم که ماشین بکارگر تعلق دارد ، اینها قوانین سرمایه‌داران است اینها قوانین اقلیت ثروتمند است که قوانین غلطشان را به اکثریت مردم تحمیل میکنند .

ماشین متعلق به کارگر است ، و این است قانون صحیح جامعه ، این قانون صحیح است ، و نیز قانون اکثریت است .

این است قانونی که باید بر جامعه حاکم شود . باید قانون کارگر و توده زحمتکش بر جامعه حاکم شود . باید سندهای مالکیت ماشین نابود شود ، و ماشین به مالک اصل‌اش یعنی کارگران ، یعنی زحمتکشان ، یعنی توده عظیم مردم تعلق گیرد و در خدمت آنها بکار گرفته شود .

جاء  
عنى  
كور  
ن و  
چون  
ه  
لاب  
ند  
ه  
را  
تا  
ط  
از  
شده  
ماند  
زند  
رون  
بیش  
این  
وون  
وئی  
رانی  
شود  
هی  
بد  
تباع  
قلاب  
دود  
ان !  
ان !  
های  
سال  
ان «  
حیه  
مردم  
قابل  
به  
به  
سالی  
به  
میان  
استه  
که  
جلب  
آنها  
حکمر  
قدم  
میدان  
میشد  
سایر  
کرد  
رزات  
لاخره  
در  
ولی  
بیکرد  
تجاع  
بینی  
رژیم  
چندند  
سل  
خود  
بخش  
مردم  
عظیم  
لید  
مردم  
بگری  
ادامه  
ها ،  
سایر

# باختر امروز

در جامعه ایران

## مالکیت ماشینی

بجای ما در مقاله گذشته اینجا رسیدیم که این مالکیت ماشینی است که در جامعه ما فقر و ثروت، عذاب و رفاه را تعیین میکند. افراد معدودی که دارای سینه مالکیت ماشینی آلات هستند اقلیت ثروتمندی را تشکیل میدهند که از کلیه نعمات زندگی برخوردارند، و هزاران هزار کارگر زحمتکش اکثریت فقیر را. و در آن مقاله نیز جنبه‌های مثبت ماشینی را، یعنی خدماتی را که به بشر میکند یاد آور شدیم و گفتیم در اجتماع ما ماشینی دارای دو جنبه متضاد میباشد، مایه رفاه و پیشرفت بشر، مسبب بدبختی بشر است.

در این مقاله میخواهیم این دوگانگی و تضاد را مورد مطالعه بیشتر قرار دهیم.

جنبه مثبت ماشینی برای ما روشن است در مقاله قبیل مثال آوردیم که کارگری که روزی دو جفت کفش میدوخت با کمک ماشینی بیست جفت کفش میدوخت، یعنی ماشینی مقدار تولید را بالا میبرد و با کار ثابت محصول بیشتری تولید میکند.

ولی جنبه منفی - و آن مالکیت ماشینی است - ماشینی محصول کار کارگر را بالا میبرد ولی مالک ماشینی بقیه در ص ۴

## حماسه بشریت

۲۰ دسامبر ۷۰، ده شمال از تاریخ تشکیل جبهه آزادیبخش ملی ویتنام گذشت و همین مناسبت مراسم در نقاط مختلف جهان در بزرگداشت مبارزات خلق قهرمان ویتنام برگزار شد.

مبارزات مردم ویتنام از سال ۱۸۵۹ که اشغالگران فرانسه خاک این کشور را مورد تجاوز قرار دادند شروع شد و تا امروز بلا انقطاع ادامه داشته است. این مبارزات در سالهای ۲۷-۱۹۲۶ شدت فوق العاده گرفت (حزب کار) برهبری هوشی مینه وارد مرحله نومی شد. مبارزات این خلق علیه امپریالیسم ژاپن و فرانسه بالاخره منجر به آزاد شدن قسمت شمالی ویتنام در سال ۱۹۵۴ شد ولی هیچگاه مردم ویتنام از تلاش برای رهائی قسمت جنوبی- ویتنام از چنگال امپریالیسم امریکا که جانشین فرانسه شده بود باز نایستادند و این تلاش بالاخره با تشکیل جبهه آزادیبخش ملی ویتنام وارد مرحله فعلی خود گردید. در عرض ده سال گذشته خلق ویتنام با چنان خلاقیت و قاطعیتی بمبارزه با امپریالیسم جهانی بسز کردگی امپریالیسم امریکا مشغول بوده که در تاریخ جهان نظیر ندارد. خلق ویتنام در این جنگ عادلانه قدرت بشر و اراده او را در کسب آزادی نشان داد، خلق ویتنام ثابت کرد که بشر تا چه حد قابل اعتلاء است. ملتی کوچک با ابزاری اندک، دنیا را برزه در آورده است و بزرگترین ضربات را بیسکوره امپریالیسم وارد ساخته است. پروزیهای مردم ویتنام منحصراً به معنوده ویتنام نیست چه دنیایی از ویتنام درس آموخته



توجه

پرو اطلاعیه‌های قبل باطلاع هموطنان عزیز مرسامیم که کلیه اشکالاتی که در راه ۹ نفر از هم‌زمان ما که هوایمای ارتاکسی را به بغداد آورده بودند مرتفع شد و این رفقا به مبارزت خود در پیکار با امپریالیسم و ارتجاع پیروزمندانه ادامه خواهند داد.

مقاله زیر در شماره ۲۰ دسامبر «فتح» ارگان کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان دفاع از آرایخواهان ایران درج شده است

## حملة اعتقالات بين الايرانيين المؤيدين للشورة الفلسطينية



ناطقة بلسان اللجنة المركزية لمنظمة التحرير الفلسطينية

## السلطات الايرانية تشن حملة اعتقالات وارهاب واسعة ضد الايرانيين المؤيدين للشورة الفلسطينية

طهران - رسالة خاصة: شنت السلطات الايرانية في الفترة الاخيرة حملة اعتقالات واسعة النطاق شملت العناصر المؤيدة للشورة الفلسطينية. وقد وجهت هذه السلطات لبعض هؤلاء نهما ملفنة خطيرة، بخشي ان تسفر عن اصدار احكام بالاعدام بحق اربعة منهم على الاقل نسبت اليهم تهمة الانضمام للثورة الفلسطينية

وهناك معلومات مؤكدة تقول ان حملة الاعتقالات التي شملت خمسة وخمسين طالباً وعابلاً ايرانياً، وان هؤلاء قد تم تقديمهم بالفعل الى المحاكم بتهمة التدرب على السلاح والمساهمة في نشاطات الثورة الفلسطينية.	وتتكلم السلطات الايرانية على هذه الاخبار، وتحاول اخفائها. الا ان الحركة الطلابية الايرانية استطاعت ان	تكشف النقب عن ذلك، وان تبدأ نشاطاً سياسياً للثورة المعتقلين.	وقد شهدت الفترة الاخيرة سلسلة اضطرابات شديدة في عدد من جامعات ومعاهد ايران، الامر الذي حدا بالحكومة الايرانية الى اصدار قرار باغلاق بعض هذه المعاهد مؤقتاً.	كما بدأ تحرك طلابي عالمي
--	---	--	---	--------------------------

## اخبار

● تظاهرات، راه پیمایی‌ها و فعالیت‌های مختلف دیگر دانشجویان ایرانی در سراسر جهان هنوز بشده ادامه دارد. بسیاری از سازمانهای مترقی جهان فعالاً از دانشجویان ایرانی پشتیبانی می‌کنند.

● بمنظور همدردی و پشتیبانی از مبارزین ایران در داخل و خارج از کشور عده‌ای از ایرانیان آزادیخواه مقیم عراق اعتصاب غذائی در محل سازمان دانشجویان عراقی در بغداد برگزار نمودند که از تاریخ ۴-۱-۱۹۷۰ تا ۶-۱-۱۹۷۰ مدت ۵۰ ساعت ادامه یافت. اعتصاب کنندگان در پایان قطعنامه‌ای تصویب نمودند.

● عده‌ای از دانش آموزان مدرسه شرافت بغداد بعنوان همدردی با مبارزین ایرانی در داخل و خارج کشور در تاریخ ۳۰ دسامبر کلاسها را تعطیل کرده قصد خروج از مدرسه را می‌نمایند. یکی از مأموران سازمان امنیت باسرم دهقان که ظاهر مدیر مدرسه است درهائی کلاسها و مدرسه را بروی دانش آموزان قفس می‌نماید تا از خروج آنان جلوگیری بعمل آورد. دانش آموزان اکنون در صدد اقداماتی برای جلوگیری از تکرار این نوع توطئه‌ها هستند.

● محاکمه ۱۸ تن دیگر از «گروه فلسطین» بر اخبار خبرگذاری‌ها پایان یافته و در آن آزادیخواهان به حبس‌های از ۳ سال تا ابد محکوم شده‌اند. در ایران علناً از ترس تشدید مبارزات مردم از صدور چنین بقیه در صفحه ۳

نشانی پستی: P.O. Box 7229 Beirut, Lebanon  
 شماره حساب: Chase, Manhattan Bank Beirut, Lebanon Account L-13896  
 بهای: میزان ۲ ریال لبنان، ۱۵ قرش لبنان، ۱۰ فلس لبنان، ۱۲ فلس لبنان، ۲۰ قرش